

مطالعات قرآنی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۰۹-۱۲۴

آسیب‌شناسی پژوهش کرنیلیا شاک در "مقاله موسی"

* حسن رضایی

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۰

** سیفعلی زاهدی فر

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۳

*** مرتضی ولی‌زاده

چکیده

پژوهش حاضر به معرفی و آسیب‌شناسی مقاله موسی(ع)/*(Moses)* در دائرة المعارف قرآن (Encyclopaedia of the Qurān) می‌پردازد. کرنیلیا شاک (*Cornelia Schock*) نویسنده مقاله، در آن به بررسی کودکی موسی(ع)، کشته‌شدن یکی از قبطیان، عزیمت موسی(ع) به مدین، نبوت موسی(ع)، صبر موسی(ع)، نجات موسی(ع) و هلاکت فرعون پرداخته است. مقاله یادشده نکات مثبتی دارد، اما برخی از مطالب مطرح شده در آن قابل نقد است. موارد نقدپذیر عبارت‌اند از: اقتباس قرآن از کتب عهدین، درآوردن پای‌پوش، صحف موسی(ع) و رؤیت خدا.

کلیدواژه‌ها: کرنیلیا شاک، موسی(ع)، فرعون، آیات قرآن.

* عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران (استادیار).

** استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (استادیار).

*** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد.

نویسنده مسئول: مرتضی ولی‌زاده

Hemmati110@yahoo.com

مقدمه

دنیای غرب با جهان اسلام رابطه‌ای دیرین دارد. قرن‌هاست که بسیاری از اسلام‌پژوهان غربی درباره قرآن، به پژوهش پرداخته و حاصل تحقیقات خود را در قالب هزاران مقاله و کتاب منتشر کرده‌اند. شناخت دقیق این آثار و دیدگاه‌های مطرح‌شده در ضمن آن‌ها، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد؛ چه اینکه در پس نگارش برخی از این آثار، اهداف استعماری و تبشیری نهفته است. افزون بر این در لابه‌لای مطالب مطرح‌شده در این آثار، شبهات و انتقاداتی درباره معارف اسلامی و قرآنی به چشم می‌خورد (مطالعات قرآنی، شماره ۱۲: ۲۱-۴۳).

امروزه لزوم شناخت درست اسلام‌پژوهی در غرب، زمانی دوچندان می‌شود که به یاد آوریم عالمان مسلمان در گذشته، همواره خود را به پاسخ‌گویی انتقادات و اعتراض‌های یهود و نصارا ملزم می‌دانستند؛ چنانکه امامان بزرگوار شیعه از جمله *امام صادق (ع)*، و *امام رضا (ع)*، از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند. آنان با حضور در مجالس مناظره، شبهه‌ها و پرسش‌های اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند. دیدگاه‌های خاورشناسان درباره معارف اسلامی در مراکز پژوهشی علوم اسلامی ایران، چندان بررسی نشده است. در این زمینه نوشتار حاضر، تلاش کرده تا به معرفی و آسیب‌شناسی مقاله «موسی (ع)» در «دائرة المعارف قرآن لیدن» بپردازد.

۱. اُگرنیلیا شاک

برای آشنایی با نویسنده مقاله «موسی (ع)» در آغاز، اطلاعاتی درباره زندگینامه علمی او ارائه می‌شود.

اُگرنیلیا شاک مدرک دکتری زبان‌شناسی را از دانشگاه فِریبُورگ (Freiburg) در سال ۱۹۹۳ دریافت کرد، و عضو هیئت علمی - پژوهشی دانشگاه کمبریج است. *شاک* آثار متعددی درباره علم کلام و تفسیر نگاشته است. مهم‌ترین اثر وی عبارت است از «آدم و حوا» با نام اصلی:

«Adam and Eve», in *Encyclopaedia of The Qurān*, (Leiden, Brill, 2001).

ب. محتوای مقاله موسی (ع)

خلاصه‌ای از مطالب مدخل «موسی (ع)» ذیلاً بیان می‌شود:

أ. کودکی موسی (ع)

شاک با استناد به آیات قرآن، درباره کودکی حضرت موسی (ع) می‌نویسد: «خداوند به مادر موسی (ع) القا می‌کند که او را در صندوقچه‌ای بگذارد و در آب بیفکند. او چنین می‌کند و جریان آب، صندوقچه را به ساحل می‌برد و خانواده فرعون او را می‌یابند. خواهر موسی (ع) کودک را دنبال می‌کند و بدون آنکه خانواده فرعون پی ببرند، از دور او را زیر نظر می‌گیرد. چون کودک شیر دایه‌ها را قبول نمی‌کند، خواهرش به خانواده فرعون می‌گوید: «آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص / ۱۲). به این ترتیب خانواده فرعون را به سوی مادر موسی (ع) می‌کشاند و او شیرش می‌دهد. خداوند موسی (ع) را به مادرش بازمی‌گرداند تا او غم نخورد، و بداند که وعده خداوند راست است (طه / ۳۷-۴۰؛ قصص / ۷-۱۴). پس موسی (ع) از کودکی در میان خانواده فرعون بزرگ می‌شود، و سالیانی چند در میان آنان می‌ماند (شعراء / ۱۸)» (Schock, «Moses», vol.3, p.420).

ب. کشته‌شدن یکی از قبطیان

شاک با استفاده از آیات قرآن در مورد کشته‌شدن یکی از قبطیان، به دست حضرت موسی (ع) می‌گوید: هنگامی که موسی (ع) به رشد و کمال می‌رسد و حکمت و علم می‌یابد، محیط شرک‌آلود دوران کودکی‌اش را ترک می‌کند (قصص / ۱۴). موسی (ع) داخل شهر می‌شود بی‌آنکه مردمش متوجه باشند. دو مرد را با هم در حال زد و خورد می‌یابد؛ یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش. آنکس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود، از وی یاری خواست. پس موسی (ع) مشتکی بدو زد و او را کشت (قصص / ۱۵). از این‌رو شکاف میان موسی (ع) و فرعون عمیق‌تر می‌شود (شعراء / ۱۹). سران قوم فرعون درباره موسی (ع) مشورت می‌کنند تا او را بکشند، و او با نگرانی از مصر خارج می‌شود (قصص / ۲۰ و ۲۱). (Schock, «Moses», vol.3, p.420-421).

ج. عزیمت موسی(ع) به مدین

شاک با اشاره به آیات قرآن درباره رفتن حضرت موسی(ع) به شهر مدین اظهار می‌دارد: «موسی(ع) در حین فرار از مصر به مدین(قصص/۲۲-۲۸) می‌رسد. در آنجا به دو زن که دختران پیرمردی که‌نسال بودند، کمک می‌کند تا به گله‌هایشان آب دهند. پدر آن‌ها به موسی(ع) می‌گوید: من می‌خواهم یکی از دو دختر خود را به نکاح تو درآورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی(قصص/۲۷). قرآن به نام پیرمردی که موسی(ع) را به کار می‌گیرد اشاره‌ای نمی‌کند، اما مفسران او را همان یثیر/ یا شعیب می‌دانند» (Schock, «Moses», vol.3, p.421).

د. نبوت موسی(ع)

شاک با استشهاد به آیات قرآن در مورد برگزیده شدن حضرت موسی(ع) به پیامبری می‌نویسد: «پس از آنکه موسی(ع) به عهد خود وفا می‌کند، به همراه خانواده‌اش از دیار مدین بیرون می‌رود. در وادی مقدس طوی، پیام و رسالت الهی را دریافت می‌نماید؛ آتشی را از دور در کنار طور مشاهده می‌کند(قصص/۲۹). پس چون بدان رسید، ندا داده شد که: ای موسی(ع) این منم، پروردگار تو، پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی، و من تو را برگزیده‌ام، پس بدانچه وحی می‌شود گوش فرا ده. منم من، خدایی که جز من خدایی نیست. پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار(طه/۱۱-۱۷).

فرمانی که موسی(ع) در هنگام نزدیک شدن به آتش و ندا آمدن از درخت(قصص/۳۰) دریافت می‌کند، سرآغاز رسالت پیامبری موسی(ع) است. او با دو برهان به سوی فرعون و سران قومش فرستاده می‌شود: معجزه عصایش که مار می‌شد و معجزه دستش که سفید می‌گشت(طه/۱۷-۲۳؛ قصص/۳۱-۳۲). هارون برادر موسی(ع) همراه او به سوی فرعون فرستاده می‌شود و در این مأموریت به آن‌ها اقتدار داده می‌شود(مؤمنون/۴۵؛ قصص/۳۵). به نظر طبری، اقتدار موسی(ع) همان معجزاتی است که خداوند به او داد» (Schock, «Moses», vol.3, pp.421-422).

هـ. صبر موسی (ع)

شاک با استفاده از آیات قرآن درباره صبر حضرت موسی (ع) می‌گوید: «پس از آنکه موسی (ع) آیات و بیناتش را نشان می‌دهد و ساحران شکست‌خورده فرعون در برابر آن‌ها به خاک می‌افتند، سجد می‌کنند و ایمان خود به خدا و رسالت موسی (ع) و هارون را اعلام می‌دارند (أعراف/۱۱۳-۱۲۶)، سران قوم فرعون به او می‌گویند: آیا موسی (ع) و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی (ع)] تو و خدایانت را رها کند؟ [فرعون] گفت: به زودی پسران‌شان را می‌کشیم و زنان‌شان را زنده نگاه می‌داریم و ما بر آنان مسلط هستیم».

«موسی (ع) به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگان‌ش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است. امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند (أعراف/۱۲۷-۱۲۹)، موسی (ع) و قومش، پیش از آنکه نجات یابند و دشمنان‌شان شکست بخورند، باید صبور باشند. صبر با شکر ترکیب می‌شود؛ و در حقیقت موسی (ع) را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم]: قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری] برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت‌هاست (ابراهیم/۵). مفسران شرح می‌دهند که مردم باید هنگامی که امتحان می‌شوند، صبور باشند و هنگامی که خداوند نعمتی به آن‌ها ارزانی می‌دارد، شکور باشند. پس موسی (ع) و قومش باید پیش از نجات صبور باشند و پس از برخوردارگی از نعمت خداوند و نجات یافتن، شاکر» (Schock, «Moses», vol.3, pp.422-423).

و. نجات موسی (ع) و هلاکت فرعون

شاک با استناد به آیات قرآن، در مورد نجات حضرت موسی (ع) و هلاکت فرعون اظهار می‌دارد: «داستان قرآنی موسی (ع) با نجات او و قومش، و عقوبت و هلاکت فرعون و سپاهش و غرق شدن آن‌ها در دریا، به اوج خود می‌رسد: سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرق‌شان ساختیم؛ چراکه آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند؛ و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند، [بخش‌های] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را - که در آن برکت داده بودیم - به

میراث عطا کردیم و به پاس آنکه صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و برافراشته بودند ویران کردیم (أعراف/۱۳۶-۱۳۷)». «سران قوم فرعون که «تکبر نمودند» نیز هلاک شدند: آن دو [یعنی موسی/ع) و هارون] را دروغ‌زن خواندند، پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند (مؤمنون/۴۵-۴۸). خداوند فرعون و سپاهش را غرق کرد، اما موسی/ع) و پیروانش را که از دریا عبور کرده بودند، نجات داد: هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم و فرعونیان را در حالی که شما نظاره می‌کردید غرق کردیم (بقره/۵۰). آیات ۲۳ تا ۳۱ سوره دخان، داستان عزیمت حضرت موسی/ع) از مصر را بازگو می‌کند: بندگانه را شبانه ببر! زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد و دریا را هنگامی که آرام است، پشت سر بگذار که آنان سپاهی غرق‌شدنی‌اند».

«غرق‌شدن فرعون و فرعونیان مضمونی رایج برای اشاره به یاری خداوند به مؤمنان در راه کسب پیروزی، بخشیدن قدرت به ایشان و تحقق شکست و هلاک کافران مخصوصاً سلطان بی‌ایمان است. دستگاه تبلیغی بنی‌عباس همین مضمون رایج را علیه بنی‌امیه به کار گرفت. در سال ۷۵۰/۱۳۲ هنگامی که مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی، در کنار رودخانه زاب شکست خورد، پل شناور در هم شکست. به روایت طبری: «آن روز شمار غرق‌شدگان از شمار کشته‌شدگان جنگ بیش‌تر بود». سپس عبدالله بن علی فرمانده عباسیان که در این نبرد پیروز گشت، آیه ۵۰ سوره بقره را تلاوت کرد. علاوه بر فرعون قرآن از دو دشمن دیگر موسی/ع) یعنی قارون و هامان یاد می‌کند که آن‌ها هم هلاک شدند (عنکبوت/۳۹-۴۰)»، (Schock, «Moses», vol.3, p.423)

ج. بررسی مقاله موسی/ع)

مدخل «موسی/ع)» نکات مثبت و منفی دارد:

ا. ویژگی‌ها و امتیازات

نقاط قوت مقاله «موسی/ع)» بدین قرارند:

۱. شاک در مقاله «موسی/ع)»، از آیات قرآن استفاده فراوان به عمل آورده و تقریباً برای هر مطلبی به آیه‌ای از قرآن استناد کرده است. وی در ۲۵۱ مورد به آیات قرآن استشهاد نموده

است. در واقع روش مقاله، سیره‌نگاری قرآنی است. او مطالب مربوط به موسی/ع را به شکل تاریخی به صورت منظم دسته‌بندی کرده و آیات مربوط به هر بخش را آورده است. ۲. شاک در مورد توضیح بعضی از مطالب مربوط به حضرت موسی/ع انصاف را رعایت کرده، و در ارائه مطالب نظر شخصی‌اش را خیلی کم آورده، و بیش‌تر آن‌ها را با تحقیق و به شکل مستند ذکر کرده است.

ب. کاستی‌ها و ضعف‌ها

در مدخل «موسی/ع» نقاط ضعفی وجود دارد، که در زیر می‌آید: شاک مباحث خود در مورد حضرت موسی/ع را از دیدگاه اهل سنت مطرح کرده، و از منابع تفسیری آن‌ها استفاده نموده و به هیچ‌کدام از منابع اصیل شیعی و دیدگاه‌های عالمان شیعه استشهاده نکرده است. از آنجا که شیعیان حدود یک چهارم مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند، لازم می‌بود به آراء و منابع دینی و قرآنی شیعیان نیز توجه می‌کرد، و اندیشه‌های آنان را در پژوهش خود منعکس می‌ساخت.

علاوه بر این اندیشه دینی شیعه به دلیل داشتن دو عنصر عقل‌گرایی و فراگیری دانش دینی از امامان معصوم، دارای تفکر و تحلیل‌های ناب‌تر و عقل‌پسندتر در مسائل اسلامی و قرآنی است. بنابراین با توجه به عقل‌گرا بودن نویسنده، جای آن داشت که وی به دیدگاه‌های شیعه اهتمام بورزد، ولی او در پژوهش خود چنین نکرده است. آنچه در این قسمت یاد شد، به عنوان ایرادی محسوب می‌شود که به‌طور کلی بر مقاله «موسی/ع» وارد است، اما در این مدخل مطالبی به چشم می‌خورند که جای تأمل بسیار دارند. مهم‌ترین آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود:

۱. اقتباس قرآن از کتب عهدین

کرنیلیا شاک می‌نویسد: «ارجاعات به موسی/ع در سراسر قرآن از جمله سوره‌های مکی پراکنده شده‌اند. ولی اکثر روایات مربوط به موسی/ع در دوران مدنی وحی بوده است، آن‌هم هنگامی که حضرت محمد(ص) در تماسی نزدیک با یهودیان قرار گرفت. موضوعات روایات قرآنی موسی/ع، به روایات کتاب مقدس و پس از آن عطف دارد. جزئیات روایات قرآن و تفاسیر

صدر اسلام، گواه تأثیر عمیق کتاب «دعای شام فصیح» بر محمد و صدر اسلام بوده است»
(Schock, «Moses», vol.3, p.419).

تأمل در مطالبی که گذشت، نشان می‌دهد شک در صدد القای شبهه اقتباس قرآن از کتب «عهدین» است (برای اطلاع از شبهه اقتباس قرآن از کتب عهدین رک: معرفت، شبهات و ردود، ص ۷-۱۱)؛ شبهه‌ای که بنا بر دلایل ذیل پذیرفتنی نیست:

۱. هیچ‌گونه دلیل و شاهد تاریخی برای فراهم‌بودن امکانات و زمینه‌های اقتباس، و انتقال آموزه‌های کتب «عهدین» به قرآن وجود ندارد؛ زیرا کتب «عهدین» در عصر ظهور اسلام به عربی ترجمه نشده، بلکه ترجمه آن‌ها سال‌ها پس از رحلت پیامبر(ص) صورت گرفته است (مغنیه، شبهات الملهدین: ۸۲)، حتی خاورشناسانی چون جرهارد بوئرینگ و نیل رابینسون به این مطلب اعتراف کرده‌اند (Bowering, vol.1, p.316; Robinson, vol.3, p.8).

پیامبر اکرم(ص) نیز نه تنها با زبان عبری آشنا نبود، بلکه اصولاً خواندن نمی‌دانست و دیدارهایی هم که بین کشیشان مسیحی و خاخام‌ها با آن حضرت برای انتقال معارف عهدین به ایشان باشد، در هیچ گزارش تاریخی نیامده است (مغنیه، شبهات الملهدین: ۸۲).

از ویژگی‌های تردیدناپذیر زندگانی پیامبر/عظم(ص) طبق تصریح قرآن و تاریخ، آن است که آن حضرت پیش از دعوت به اسلام، خواندن و نوشتن نمی‌دانسته، به مدرسه‌ای نرفته، نزد کسی برای آموختن زانو نزده، کتابی را نخوانده و چیزی را ننوشته است (جعفریان، ج ۱: ۱۹۱). قرآن بیان می‌دارد:

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ يَمِينُكَ إِذْ أَلَزَّتْكَ
الْمِطْلُونُ﴾ (عنکبوت/۴۸)

«و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی، و گرنه باطل‌اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند».

پیداست که چنین شخصی نمی‌تواند کتابی را که شامل عقاید عالی، معارف متعالی، احکام و دستورهای جهانی و جاودانی است، بدون ارتباط با خدا و تحت تأثیر فرهنگ زمانه و یا در اثر ملاقات یک یا چند ساعته با این یا آن، رقم بزند و پدید آورد. اگر کسی بر اقتباس از کتاب‌های

گذشته قادر باشد، لازم است دانش و تجربه‌های علمی عصر خود را داشته باشد، درحالی‌که پیامبر(ص) چنین نبوده است.

۲. همان‌گونه که می‌دانیم، پیامبر(ص) قرآن را به عنوان وحی الهی معرفی کرد. حال لازمه اعتقاد به اقتباس قرآن از کتب عهدین، این است که حضرت محمد(ص) دروغگو دانسته شود درحالی‌که صداقت آن حضرت آنقدر در حد عالی بود که مشرکان قریش وی را «محمد امین» لقب دادند، تا حدی که وقتی دعوت آغازین خود را به جمع بزرگان قریش اعلام کرد و پرسید: «آیا تاکنون دروغی از من شنیده‌اید؟» پاسخ دادند: «خیر، آن‌چنان به راستگویی‌ات ایمان داریم که اگر در روز ادعا کنی شب است، تصدیقت خواهیم کرد!». حتی خاورشناسانی چون جان دیون پورت، توماس کارلایل، مونتگمری وات و جرجی زیدان، به صداقت پیامبر(ص) اقرار کرده‌اند (دیون پورت: ۲۹؛ زمانی: ۱۰۹-۱۱۱؛ زیدان: ۲۳-۲۴).

۳. اهل کتاب با حضرت رسول دشمنی داشتند، و علیه حضرت توطئه‌های فراوان تدارک دیدند و از هیچ کاری برای تضعیف اسلام کوتاهی نکردند. پس اگر حضرت محمد(ص) قرآن را از اهل کتاب گرفته بود، حتماً خبر آن را منتشر می‌کردند و می‌گفتند: این قرآن را از ما آموخته یا از کتاب‌های ما گرفته و برای شما قرائت می‌کند؛ درحالی‌که اهل کتاب سخن‌های زیادی نقل کرده‌اند، این مطلب را مطرح نساخته‌اند و اگر مطلبی گفته بودند، مانند سایر مطالب آنان، به ما می‌رسید.

۴. بسیاری از داستان‌های پیامبران که در قرآن کریم طرح شده، در کتب عهدین یافت نمی‌شوند؛ از جمله داستان هود، صالح و شعیب. اگر پیامبر(ص) قرآن را از اهل کتاب آموخته بود، این اضافات را در کتاب خود مطرح نمی‌فرمود(ماضی: ۱۴۸).

۵. همخوان بودن آغاز و پایان کتابی که در طول ۲۳ سال به سرانجام رسیده، گواه محکم دیگری بر آسمانی و وحیانی بودن آن است؛ زیرا اگر این کتاب فرآورده فکر بشر، و برگرفته از آیین‌های مختلف و فرهنگ‌های موجود در جزیره‌العرب بود، یکدستی لازم را نداشت و اختلافات فراوانی در آن مشهود بود:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/ ۸۲)

«آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

۶. اگر وحی ساخته حضرت محمد(ص) بود، چرا در مواردی که به نفع خودش بود وحی نمی‌ساخت؟ برای مثال در جریان افک، وحی یک ماه قطع شد و حضرت تا نزول دوباره وحی تهمت‌ها و سرزنش‌های منافقان را تحمل کرد. در داستان تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه نیز تا شانزده ماه زیر فشار تهمت‌های مشرکان بود. اگر وحی تابع اراده الهی نبود و در دست پیامبر(ص) قرار داشت، چرا زودتر قبله را به کعبه تغییر نداد.

۷. چگونه قرآن می‌تواند برگرفته از کتب عهدین باشد درحالی که آیات فراوانی، یهودیان و مسیحیان را به شدیدترین وجه ممکن توبیخ می‌کنند(بقره/۵۱، ۶۱، ۸۳، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۲۱۱؛ آل عمران/۷۰، ۷۱، ۷۵؛ نساء/۱۵۳، ۱۵۵، ۱۷۱؛ مائده/۱۴، ۱۷، ۶۰، ۷۰، ۷۳، ۸۲، ۱۱۶؛ توبه/۳۰؛ حدید/۲۷).

۸. وجود تفاوت بین قرآن و عهدین، دلیل آن است که قرآن برگرفته از آن‌ها نیست. این تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف عقاید، اخلاق، احکام و قصص خود را نشان داده است و گاهی این موارد، از حد تفاوت فراتر رفته، به تقابل با فرهنگ یهودی و مسیحی رایج و نفی برخی عناصر آنها منتهی می‌شود(خویی: ۵۷-۶۸).

برای مثال قرآن کریم تثلیث مسیحیت را رد می‌کند:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (مائده/۷۳)

«کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند: خدا سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است، قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید».

جنبه‌های اعجاز قرآن بهترین دلیل وحیانی بودن قرآن، و نزول آن از طرف خداوند است؛ جنبه‌های ادبی، تشریحی و علمی قرآن که خارج از توان بشری است، جای هیچ شکی را نسبت به اعجاز قرآن باقی نمی‌گذارد و هر قاضی منصفی را بر اعتراف به وحیانی بودن قرآن مجبور می‌کند(معرفت، التمهید، ج ۷: ۳۰).

۲. درآوردن پای پوش

شاک درباره آیه ۱۲ سوره طه می‌گوید: «مفسران توضیح می‌دهند که پای‌پوش‌های موسی(ع) از پوست لاشه الاغ یعنی حیوانی ذبح نشده، دوخته شده بود؛ پس به موسی(ع) فرمان داده می‌شود که پای‌پوشش را بیرون آورد» (Schock, «Moses», vol.3, p.421).

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنِّي أَنَارَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ (طه/۱۲)

«این منم پروردگار تو، پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی».

بررسی تفاسیر(طبری، ج ۱۸: ۲۷۸؛ فرآ، ج ۲: ۱۷۵؛ مقاتل، ج ۳: ۲۲)، نشان می‌دهد دیدگاهی را که شاک در تفسیر آیه مذکور بیان کرده، برگرفته از روایاتی ضعیف است(طباطبایی، ج ۱۴: ۱۵۹؛ قمی مشهدی، ج ۵: ۲۴۱). روایاتی که پای‌پوش حضرت موسی(ع) را ساخته‌شده از پوست الاغی ذبح‌نشده می‌دانند، از کعب‌الاحبار روایت شده‌ان(طبری، ج ۱۸: ۲۷۸). از آنجا که روایات اسرائیلی فراوانی از وی نقل شده، این امر احتمال اسرائیلی‌بودن روایات مذکور را به ذهن متبادر می‌کند و پر واضح است اسرائیلیات تا چه حد بی‌پایه‌اند. بنابراین شاک در تفسیر آیه ۱۲ سوره طه، نامناسب‌ترین قول تفسیری را بیان کرده، و اقوال تفسیری دیگر را که با سیاق این آیه هماهنگ‌تر و با شأن حضرت موسی(ع) سازگارترند ذکر ننموده است. برخی از این اقوال عبارت‌اند از:

۱. پابرهنگی از نشانه‌های فروتنی است و حضرت موسی(ع) باید آن را در وادی مقدس طوی رعایت می‌کرد(زحیلی، ج ۱۶: ۹۹؛ مراغی، ج ۱۶: ۱۸۹؛ سبزواری، ج ۴: ۴۲۲؛ طیب، ج ۹: ۱۳؛ مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۵: ۲۰۸).

۲. پوشیدن نعلین به سبب اجتناب از نجاسات، و ترس از گزند حشرات و خلاصه محافظت پا از خطر هاست؛ در حالی که خداوند در وادی مقدس طوی به حضرت موسی(ع) امان و امنیت عطا فرمود(طبرسی، مجمع البیان، ج ۷: ۹).

۳. امر به از پا درآوردن نعلین، به سبب تقدس وادی طوی بود که حضرت موسی(ع) در آن پای نهاد. تقدس وادی بدان علت بود که نور الهی در آن جلوه‌گر شد(طباطبایی، ج ۱۴: ۷۳؛ حسینی شیرازی، ج ۳: ۴۷۰؛ مکارم شیرازی، ج ۱۳: ۱۶۹؛ فضل‌الله، ج ۱۶: ۱۲۳).

۳. صحف موسی (ع)

شاک درباره «صحف‌های موسی (ع)» اظهار می‌دارد: «آیات ۱۸ تا ۱۹ سوره اعلی، به «صحف‌های نخستین موسی (ع)» اشاره می‌کند. مفسران «صحف موسی (ع)» را بخشی از صحیفه‌های پیشین یعنی صحیفه‌های تمامی پیامبران گذشته می‌دانند. ولی هیچ‌کدام از این تفاسیر موجب تفاوت میان «صحف‌های موسی (ع)» و «کتاب موسی (ع)» یا تورات نمی‌شود. (Schock, «Moses», vol.3, p.425).

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذَآلْفِ الصُّحُفِ الْأُولَىٰ * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ﴾ (اعلیٰ/۱۸-۱۹)

«قطعا در صحیفه‌های گذشته این [معنی] هست، صحیفه‌های ابراهیم و موسی.»

مفسران معتقدند که «صحف موسی (ع)» با «تورات» تفاوت دارد، و این «صحف» پیش از «تورات» به آن حضرت داده شده است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰: ۲۹۷؛ طباطبایی، ج ۲۰: ۱۵۲؛ زحیلی، ج ۳۰: ۱۹۹؛ ابن عاشور، ج ۱۶: ۲۲۸؛ آلوسی، ج ۱۵: ۳۲۳).

در منابع روایی از ابوذر نقل شده که وی از رسول خدا (ص) پرسید: «خداوند چند کتاب نازل کرد؟» پیامبر فرمود: «۱۰۴ کتاب». آن حضرت در ادامه افزود: «خداوند پیش از نزول تورات ده صحیفه بر موسی (ع) نازل کرد» (مجلسی، ج ۷۴: ۷۱؛ ورام، ج ۲: ۷۲؛ صدوق، ج ۲: ۴۴؛ قمی، ج ۳۸: ۳۵۶؛ هیشمی، ج ۱: ۵۳).

از روایت مذکور به دست می‌آید که «صحف موسی (ع)» غیر از تورات است. بنابراین نادرستی دیدگاه شاک در یکی دانستن «صحف موسی (ع)» با تورات اثبات می‌گردد.

۴. رؤیت خدا

شاک با استناد به آیه ۱۴۳ سوره اعراف می‌نویسد: «خدا با موسی (ع) سخن گفت و موسی (ع) درخواست کرد که خدا را ببیند» (Schock, «Moses», vol.3, pp.423-424).

چنانکه گذشت شاک از درخواست حضرت موسی (ع) مبنی بر رؤیت خدا سخن به میان آورد. در پی این سخن وی، نخستین سؤالی که پیش می‌آید این است: موسی (ع) که پیامبر بزرگ و

اولوالعزم پروردگار بود و به خوبی می‌دانست که خداوند نه جسم است و نه مکان دارد و نه قابل رؤیت است، چگونه از پروردگار چنین درخواستی کرد که حتی در شأن افراد عادی نیست؟ شاک در پژوهش خود به این سؤال پاسخ نگفته است. گرچه مفسران برای سؤال مذکور، پاسخ‌های مختلفی گفته‌اند (ابن عطیه اندلسی، ج ۲: ۴۵۰؛ بغوی، ج ۲: ۲۲۸؛ زحیلی، ج ۹: ۸۴)، روشن‌ترین جواب این است که حضرت موسی (ع) این تقاضا را از زبان قوم کرد؛ زیرا جمعی از جاهلان بنی اسرائیل، اصرار داشتند که باید خدا را ببینند تا ایمان آورند، و او از طرف خدا مأموریت یافت که این تقاضا را مطرح کند تا همگان پاسخ کافی بشنوند. از قرائن روشنی که این تفسیر را تأیید می‌کند، این است که براساس آیه ۱۵۵ سوره اعراف، حضرت موسی (ع) پس از این ماجرا عرض کرد:

﴿أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْسَّفَهَاءُ مِنَّا﴾

«آیا ما را به سبب عملی که سفیهان ما انجام دادند، به هلاکت می‌رسانی؟»

از این جمله روشن می‌شود که نه تنها حضرت موسی (ع) چنین تقاضایی را نداشت، بلکه شاید هفتاد نفری هم که با او به میعادگاه رفته بودند چنین منطقی نداشتند؛ آن‌ها تنها افراد دانشمند و نمایندگان بنی اسرائیل بودند تا مشاهدات خود را برای توده جاهل و بی‌خبری بیان کنند که پیشنهاد مشاهده پروردگار داشتند (طوسی، ج ۴: ۵۳۴؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۴: ۳۱۱).

نتیجه بحث

بررسی مقاله «موسی (ع)» نشان می‌دهد که شاک از آیات قرآن استفاده فراوان به عمل آورده، و تقریباً برای هر مطلبی به آیه‌ای از قرآن استناد کرده است. این مطلب تسلط فراوان نویسنده به قرآن را نشان می‌دهد. پژوهش وی گویای تتبع بسیارش در منابع اسلامی است، اما اشتباهات غیرقابل اغمازی که از او سرزده، نشان می‌دهد که وی به همه منابع معتبر اسلامی مربوط به موسی (ع) دسترسی و یا اشراف نداشته است. شاک مباحث خود در مورد حضرت موسی (ع) را از دیدگاه اهل سنت نقل کرده، و از منابع تفسیری آن‌ها استفاده کرده و به هیچ‌کدام از منابع اصیل شیعی و دیدگاه‌های عالمان شیعه استشهد نکرده است. استفاده نکردن از منابع شیعی مشکل

عمده‌ای است که نه تنها در پژوهش او، بلکه در تحقیقات بسیاری از خاورشناسان نیز به چشم می‌خورد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ألوسی، سید محمود. ۱۴۱۵هـ.ق. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بغوی، حسین بن مسعود. ۱۴۲۰هـ.ق. **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸هـ.ق. **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- زمانی، محمدحسن. ۱۳۸۵هـ.ش. **مستشرقان و قرآن**. قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۹۳هـ.ق. **المیزان فی تفسیر القرآن**. بی جا: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷هـ.ش. **جوامع الجامع**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. ۱۴۱۲هـ.ق. **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۳هـ.ق. **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. بی تا. **معانی القرآن**. قاهرة: دارالمصرية.
- فضل الله، محمد حسین. ۱۴۱۹هـ.ق. **من وحی القرآن**. بیروت: دارالملاک.
- قمی مشهدی، محمد. ۱۳۶۸هـ.ش. **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- ماضی، محمود. ۱۴۲۲هـ.ق. **الوحی القرآنی فی المنظر الاستشراقی و نقده**. مدینه: دارالدعوة.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳هـ.ق. **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۶هـ.ش. **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسسه التمهید.
- مغنیه، محمد جواد. ۱۴۲۴هـ.ق. **تفسیر الکاشف**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۸هـ.ش. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع غیر فارسی

Böwering, Gerhard, «Chronology and the Quran», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2001.

Robinson, Neal, «Jesus», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2003.

Schock, Cornelia, «Adam and Eve», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2001.

_____, «Moses», Encyclopaedia of the Qurān, Leiden: Brill, 2003.

مقالات

اکبری دستک، فیض الله. «تمثيل؛ ابزار مشترک قرآن کریم و أناجیل». مطالعات قرآنی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت. دوره ۳. شماره ۱۲. پاییز ۱۳۹۲. صص ۲۱-۴۳.